

الگوی نظام‌سازی ایران پس از انقلاب اسلامی؛ ارزیابی مردم سالاری دینی ایران

محمد رضا مجیدی*

حدیث اقبال**

چکیده

نظام‌ها، متشکل از نهادها، و نهادها متشکل از ساختارها هستند، از این رو تبیین یک الگوی نظام‌سازی نیازمند بررسی نهادها و ساختارهای موجود در آن است. هر تعریفی از مردم سالاری دربرگیرنده دو مبنای «مشارکت» و «رقابت» می‌باشد. «نهاد قانون اساسی» اصول متعددی را به منظور تضمین مردم‌سالاری و حاکمیت مردم اختصاص داده است. «مشارکت سیاسی» با استناد به «متدولوژی مورد اجماع ارزیابی دموکراسی» در این الگو محقق شده است، اما در سوی دیگر ضعف‌های «مقومات رقابت سیاسی» و «کثرت‌سالاری چارچوب‌مند»، چالشی است که این پژوهش متوجه این الگو می‌بیند.

واژگان کلیدی

مردم سالاری دینی، انقلاب اسلامی، نظام‌سازی، نهاد، مشارکت، رقابت.

مقدمه

دغدغه ایجاد حکومتی مردم سالار و مبتنی بر دین در ایران زودتر از دیگر کشورهای مسلمان

mmajidi@ut.ac.ir

aeghbal1986@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۲/۹/۲۳

*. دانشیار دانشگاه تهران.

** دکترا علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی.

تاریخ دریافت: ۹۲/۸/۱۱

مطرح و پاسخ‌های متفاوتی به آن داده شده است. در پی انقلاب اسلامی در ایران با هدف شکل‌گیری الگویی بومی مبتنی بر حاکمیت دین و مردم، نظام مردم‌سالاری دینی در ایران شکل گرفت. نظام مردم‌سالاری دینی در ایران هم تلاشی برای ایجاد نظم و الگوی حکمرانی نو بود و هم پاسخی بود به نارضایتی‌ای که منجر به انقلاب اسلامی ایران شد. تاکنون نزدیک به ۳۶ سال از تجربه الگوی مردم‌سالاری دینی در ایران می‌گذرد. هدف از تأسیس این نظام، تحقق حاکمیت دین و مردم در سپهر سیاست و جامعه بوده است. در این پژوهش در پی ارزیابی این تجربه حکمرانی می‌باشیم. ابتدا لازم است تعریفی از این نام‌گذاری و تبیینی از جایگاه دین و مردم در این الگو داشته باشیم. درگام بعد با استفاده از روش نهادگرایی و متدولوژی ارزیابی دموکراسی به بررسی ظرفیت‌ها و چالش‌های این الگو و تجزیه و تحلیل مطالب موجود خواهیم پرداخت.

چارچوب نظری و تحلیلی

تجزیه و تحلیل مطالب موجود در این پژوهش در چارچوب روش نهادگرایی و متدولوژی ارزیابی دموکراسی خواهد بود.

روش نهادگرایی و نظام‌سازی

نظام‌سازی یعنی فرم دادن و قالب دادن به جامعه، مشخص کردن مراکز تأثیرگذار در وضعیت سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی جامعه و نیز مشخص کردن نوع تعامل و ارتباط آنها با یکدیگر. از نظام،^۱ تعریف‌های گوناگونی شده است و مهم‌ترین وجه آن به «داشتن عناصر مختلف دارای کنش و واکنش متقابل» برمی‌گردد که این عناصر دارای «اهداف» خاصی‌اند. پس نظام به مفهوم ارتباط دهنده و پیونددهنده اجزایی است که هدف مشخصی را تعقیب می‌کند. یک نظام دارای ویژگی‌هایی از جمله تشکیل نظام از اجزای متفاوت، نظم روابطی بین اجزاء، تشکیل الگو از نظم اجزاء، روابط بنیادین بین اجزای نظام و داشتن هدف واحد است. (عالم، ۱۳۷۳: ۱۴۹)

جامعه بزرگترین واحدی است که سیستم‌ها در درون آن قرار دارند. نظام سیاسی در کنار

1. system.

دیگر نظام‌های یک جامعه قدرت و اقتدار عالی را دارد اما به صورت عام شامل همه نظام‌ها نیز می‌شود و می‌توان گفت نظام سیاسی موجد همه نظم و ظرفیت سیاسی است که اگر مکتبی توان و ظرفیت ساخت یک نظام خاص را داشته باشد می‌تواند ادعا کند که همه زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی را سامان داده است. بر همین اساس برخی معتقدند نظام سیاسی از مجموعه مهمی از نهادهای اجتماعی تشکیل می‌یابد که با صورت‌بندی و اجرای اهداف جمعی برای یک جامعه یا گروه‌های داخلی آن سرو کار دارند. (آلموند، ۱۳۷۶: ۵)

نظام‌سازی یک عنوان کلی است، اما آنچه که به واقع نظام‌ها را شکل می‌دهد نهادهای تشکیل دهنده آن است. در دوران مدرن، توماس هابز از ضرورت وجود نهادهای قوی برای حفظ نوع بشر سخن گفت و بر لزوم تشکیل نهادهایی قوی‌تر برای نجات بشریت از غرایز حیوانی تأکید کرد. لاک مفهومی قراردادی از نهادهای عمومی را توسعه داد و منتسکیو نیاز به تعادل در ساختارهای سیاسی را متذکر شد. اما نهادگرایی جدید، رهیافتی کم و بیش انحصاری در سیاست تطبیقی پس از جنگ جهانی دوم بود که بر قانون مدنی و قانون اساسی تأکید می‌کرد و سعی داشت توضیح دهد که قدرت چگونه خود را در روابط بین دولت و ملت، حکومت محلی، بوروکراسی، اصول قانونی و نهادی نشان می‌دهد. تئوری نهادی جدید روابط نهادها و فعالیت انسان‌ها را دربر می‌گیرد. نهادها الگوها، هنجارها و مقرراتی را تعبیه می‌کنند که ساختارمند، تحمیل‌کننده، هدایت‌گر یا تشکیل دهنده رفتار بازیگران اجتماعی هستند. (Raak and Paulus, 2008: 243)

روش نهادگرایی در علوم سیاسی شامل مطالعات ساختار، قانون اساسی، اداره عمومی، تخصیص قدرت و سازوکارهای نهادمندی است. مطالعات قانون اساسی در رهیافت نهادی علاوه بر تمرکز بر قواعد و رویه‌های رسمی موجود به تحلیل نهادهای در حال کنش نیز می‌پردازند.

قانون اساسی پیش از هر چیز یک نهاد است و نهاد ویژگی دوسویه «محدودسازی و امکان‌سازی» را شامل می‌شوند. نهادها قواعد بازی هستند یا به بیانی رسمی‌تر، محدودیت‌های ساخته شده دست بشر هستند که تعاملات انسانی را شکل می‌دهند. در نتیجه، آنها انگیزه‌های موجود در تعاملات انسانی (خواه سیاسی، اجتماعی یا اقتصادی و ...) را ساختارمند می‌کنند. آنچه

باید به لحاظ مفهومی به صورت مشخص متمایز شود، قواعد بازیگران است. هدف قواعد تعریف روشنی است که بازی براساس آنها انجام می‌شود. لذا در معنای گسترده، نهادها، مجموعه قواعدی هستند که رفتار سامان‌مند و پیش‌بینی‌پذیر را تضمین می‌کنند؛ بدین معنا، تقریباً هر چیزی را می‌توان جزء نهادها و موضوع مطالعه نهادی دانست. به اتکای چنین تعریفی است که طیف متنوعی از پدیده‌ها مانند ایدئولوژی، سیاست، هنجار، طبقه، سازمان‌های متنوع اجتماعی و سیاسی و ... جزء نهادها و موضوع مطالعه نهادی تلقی شده‌اند.

اداره عمومی نیز عبارت از: «ترتیبات نهادی برای فراهم ساختن خدمات عمومی یا مطالعه بوروکراسی‌های عمومی می‌باشد.» (Aggrawal, 1998: 5)

نهادهای سیاسی تخصیص قدرت سیاسی قانونی را تنظیم و قانونمند می‌کنند. (عجم اغلو و رابینسون،^۱ ۱۳۹۰: ۲۷۱) قدرت سیاسی با ارزش است و همه گروه‌ها دوست دارند به هر طریقی قدرت سیاسی بیشتری را در آینده برای خود تضمین کنند. نهادهای سیاسی به سبب «مزیت بادوام بودن» می‌توانند بر تخصیص قدرت سیاسی در آینده تأثیر بگذارند. نهادسازی شهروندان را قادر می‌سازد که نه تنها امروز بلکه در آینده نیز نسبت به نسبت به رژیم جایگزین که غیردموکراتیک است، قدرتمندتر باشند. بنابراین نهادسازی یک روش انتقال قدرت سیاسی به شهروندان است.

چگونه شهروندان اطمینان می‌یابند که جامعه دموکراتیک می‌شود؟ آنها در صورتی به این اطمینان می‌رسند که قدرت سیاسی کافی داشته باشند. روشن است که در وضعیت غیردموکراسی، شهروندان از رأی دادن محروم هستند یا دست کم، ترجیحاتشان اهمیت اندکی دارد. بنابراین چگونه می‌توانند قدرت سیاسی پیدا کنند؟ پاسخ این است که بخشی از قدرت سیاسی در قوانین و بخش دیگر آن می‌تواند به شکل قدرت سیاسی در عمل درآید. شهروندان مادامی می‌توانند در غیردموکراسی قدرت داشته باشند که زمینه‌ساز تهدیدی معتبر به انقلاب یا ناآرامی اجتماعی به شکلی جدی شوند.

منظور از «قدرت سیاسی» و هر نوع حاکمیت سیاسی شامل قدرتی است که از نهادهای سیاسی صادر می‌شود و هم توانایی شهروندان در به چالش کشیدن نظام در به راه انداختن یک کودتا را دربر می‌گیرد که به معنای روش‌های عملی در کسب قدرت است. به عبارت

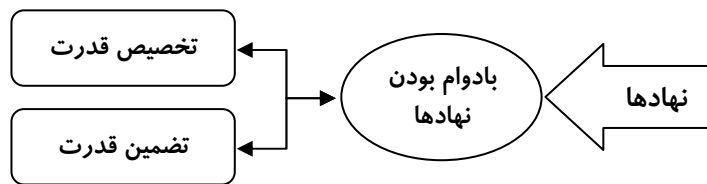
1. Acemoglu and Robinson.

الگوی نظام‌سازی ایران پس از انقلاب اسلامی؛ ارزیابی مردم‌سالاری دینی ایران □ ۱۴۳

دیگر، قدرت سیاسی قانونی یا عملی هر آن چیزی است که یک گروه را قادر می‌سازد که به سیاست‌های مرجح خویش نزدیک شود. (همان: ۳۸ - ۱۹)
می‌توان موضوعات ذکر شده را به شکل زیر خلاصه کرد:

قدرت سیاسی \Leftarrow نهادهای سیاسی t \Leftarrow نهادهای سیاسی $t + 1$ \Leftarrow قدرت سیاسی قانونی $t + 1$
بنابراین نهادسازی در راستای دموکراسی، شهروندان را قادر می‌سازد تا قدرت سیاسی خویش را در آینده افزایش دهند.

نشانگر ۱. کارویژه سیاسی نهادها



شاخص‌های ارزیابی مردم‌سالاری‌ها

تلاش‌هایی را که به منظور ارزیابی و سنجش دموکراسی اعمال شده‌اند، می‌توان به دو گروه تقسیم کرد: نظری و ذهنی، عینی و علمی. جیمز برس و راسل فینزگیبون، نخستین کسانی بودند که سنت ارزیابی دموکراسی بر اساس درجه‌بندی سطوح تخصص را باب کردند. رویکرد عینی بر وقایع مشاهده‌پذیر در خصوص ابعاد گوناگون دموکراسی از جمله میزان مشارکت و رقابت متمرکز است.

ملاک‌ها و معیارهای عینی برای ارزیابی دموکراسی به راحتی قابل اعاده است و اغلب از درجه‌بندی واضحی برخوردار است. چنان‌که میزان جمعیت رأی‌دهنده و رقابت گروه‌ها که معمولاً از صفر تا صد درصد متغیر است، نشانگر مطلوب می‌باشد. بهره‌گیری از شیوه‌های عینی تطبیقی و کمی و مدل‌های ریاضی برای مقایسه، ارزیابی، دسته‌بندی و الگوپردازی پدیده‌های رفتاری در سطح ملی و بین‌المللی به پژوهشگران امکان می‌دهد با دید واقع‌گرایانه رخدادها، حوادث بحرانی، دادوستدها و متغیرهای مؤثر در ایجاد آنها را تحلیل کرده و آثار مترتب بر هر وضعیتی را بررسی و روابط معنی‌دار و همبستگی‌های آماری بین آنها را تعیین نماید. از خلال این مطالعات امکان فرضیه‌پردازی، آزمون آنها و تعمیم قانونمندی‌های حاصله به شرایط و

اوضاع مشابه به جهت پیش‌بینی آینده، فراهم می‌گردد. (کاظمی، ۱۳۹۱: ۲۱ - ۱۸)

معیارهای رویکرد ذهنی و نظری بر مفاد و معنای دموکراسی قابل تطبیق است و معمولاً از حقوق سیاسی، آزادی، سلامت، رفاه و دیگر خصوصیات ذاتی دموکراسی می‌گویند. معیارهای ذهنی متکی به قضاوت و تحلیل متخصصان است.

دیتا سِت‌های دموکراسی؛ مونک و ورکولین

مونک و ورکولین^۱ چارچوبی برای ساختن و ارزیابی «دیتا سِت»^۲های دموکراسی فراهم کردند و به عملیاتی کردن و شاخص‌های آلترناتیو به جای یک مفهوم مثل دموکراسی پرداختند که شامل فرایند مفهوم‌سازی، سنجش، و تلفیق داده‌ها بود و از این طریق به ارزیابی شاخص‌های دموکراسی به کار گرفته شده توسط محققین مختلف پرداختند. ساختن شاخص‌های دموکراسی، همچون یک انتظار ممکن، که تمرکز عمده کوشش‌های دانشمندان مشهور را به مدت بیش از ۱۵ سال به خود مشغول کرده بود، می‌باشد. مانک و ورکولین در مقاله «سنجش دموکراسی، ارزیابی شاخص‌های آلترناتیو» با عملیاتی کردن مفهوم دموکراسی طی جدولی «دیتاست‌های» موجود دموکراسی را خلاصه‌وار آورده‌اند و هر شاخص را با نام محققى که کار کرده نشان داده‌اند. آنان همچنین به ارزیابی شاخص‌های مختلف پرداخته و طی جدولی نقاط ضعف و قوت آنها را بیان کرده‌اند. با بررسی این جدول به سراغ تحقیقات اشخاص نام برده در جدول ایشان رفتیم که در ادامه بدان‌ها اشاره می‌شود.

پنج سنجه دموکراسی؛ رابرت دال

رابرت دال، پنج استاندارد را به عنوان سنجه‌های یک روند دموکراتیک برای سنجش دموکراتیک بودن کشورها معرفی می‌کند:

۱. مشارکت مؤثر: در طول فرایند تصمیم‌گیری‌های اساسی، شهروندان باید از فرصت مناسب در برابر دیگران برای اظهار اولویت‌های خود برخوردار باشند.
۲. برابری در عرصه‌های سرنوشت‌ساز: شهروند باید برای اظهار رأی و انتخاب در

1. Munck and Verkuilen.
2. Data Set.

عرصه‌های سرنوشت‌ساز تصمیم‌گیری جمعی، از فرصت برابر برخوردار باشد، به‌گونه‌ای که با رأی و انتخاب دیگران برابر شمرده شود.

۳. درک و فهم روشنگرانه: هر شهروند باید بر اساس منافع خود، برای شفاف و مستدل ساختن (در طول مدتی که برای یک تصمیم اجازه داده شده) انتخاب و رأی خود درباره مسئله‌ای که باید در مورد آن تصمیم‌گیری شود، از فرصت‌های کافی برخوردار باشد.

۴. کنترل دستور کار: مردم باید برای تصمیم گرفتن در این باره که مسائل و امور چگونه در دستور کار قرار داده می‌شوند تا در فرایند دموکراتیک درباره آنها تصمیم‌گیری شود، از فرصت مناسب و فراگیر برخوردار باشند.

۵. نظم پولی آرشی: نظم است که دو ویژگی داشته باشد؛ شهروندی بخش نسبتاً زیادی از بزرگسالان را در برگیرد و حقوق شهروندی شامل فرصت مخالفت و اظهار رأی درباره بالاترین مقامات حکومت شود. (دال، ۱۳۸۹: ۲۹ - ۲۷)

بر اساس همین سنجه‌های رابرت دال، کاپچ^۱ و رینیک^۲ ۱۷۰ کشور را طبقه‌بندی نمودند.

حقوق سیاسی و آزادی‌های مدنی؛ خانه آزادی

سازمان دیده‌بان دموکراسی در نیویورک یعنی خانه آزادی^۳ در سنجش «وضعیت دموکراسی» در کشورها بر عناصر روشی تأکید می‌کند:

۱. نظام سیاسی رقابتی و چند حزبی.
۲. حق رأی همگانی افراد بالغ برای همه شهروندان؛ البته با استثناهای مشروعی که دولت‌ها برای شهروندان مجرم به کار می‌برند.
۳. انتخابات رقابتی منظم در شرایط آراء محرمانه، امنیت منطقی آراء و نبود تقلب گسترده به‌گونه‌ای که نتایج انتخابات به سود کسی خاتمه یابد که اراده عوی از او حمایت می‌کند.
۴. دسترسی همگانی و زیاد احزاب سیاسی اصلی به حوزه‌های انتخابیه، از طریق رسانه و در مجموع رقابت انتخاباتی به لحاظ سیاسی باز. (پیانو و پودینگتون، ۲۰۰۴: ۷۱۶)

خانه آزادی یک ارگان غیردولتی در آمریکا می‌باشد که در زمینه تحقیقات و پشتیبانی از

1. Coppedge.
2. Reinicke.
3. Freedom House.

دموکراسی، آزادی‌های سیاسی و حقوق بشر فعالیت می‌کند. این سازمان سالیانه فهرست کشورها را از لحاظ میزان دموکراتیک بودن تهیه و انتشار می‌دهد و رتبه کشورها را بر اساس حقوق سیاسی و آزادی‌های مدنی از ۱ (بالا) تا ۷ (پایین) تعیین می‌کند. (گاستیل، ۱۹۹۱) در ادامه ملاک‌های خانه آزادی به صورت خلاصه مطرح شده است. این ملاک‌ها در برگرفته طیف وسیعی از حقوق سیاسی برای سنجش میزان دموکراتیک بودن کشورهاست که به صورت فهرستی از پرسش‌ها مطرح می‌شود.

۱. آیا رئیس دولت، یا رئیس حکومت یا دیگر مقام‌ها مهم دولتی از طریق انتخابات آزاد و عادلانه انتخاب می‌شوند؟

۲. آیا نمایندگان مجلس در انتخابات آزاد و عادلانه انتخاب می‌شوند؟

۳. آیا قوانین انتخاباتی عادلانه، فرصت‌های رقابت برابر، رای‌گیری عادلانه و رای‌گیری مخفی به وجود می‌آورد؟

۴. آیا رأی دهندگان قدرت واقعی را واگذار می‌کنند؟

۵. آیا احزاب سیاسی با دیگر گروه‌های رقیب حق سازماندهی دارند و آیا فضای بازی برای رشد و افول این گروه‌ها و احزاب رقیب دولت وجود دارد؟

۶. آیا مخالفان اصلی رأی می‌دهند؟ آیا قدرت واقعی دارند؟ و آیا برای مخالفان این قدرت وجود دارد که حامیان خود را افزایش دهند یا از طریق انتخابات قدرت را به دست آورند؟

۷. آیا شهروندان تحت سلطه نیروهای نظامی، قدرت‌های خارجی، احزاب توتالیتر، سلسله مراتب مذهبی، الیگارش‌ی اقتصادی یا هر گروه دیگری قرار دارند؟

۸. آیا گروه‌های قومی، فرهنگی، مذهبی و ... از استقلال، خودمختاری، یا حق مشارکت از طریق توافق غیررسمی در فرآیند تصمیم‌گیری برخوردارند؟

۹. آیا آزادی تجمع، تظاهرات، و بحث آزاد جمعی وجود دارد؟

۱۰. آیا سازمان‌های سیاسی یا نیمه سیاسی مانند احزاب، سازمان‌های مدنی، گروه‌های خاص و غیره از آزادی برخوردارند؟

۱۱. آیا از ترور سیاسی، حبس غیرقانونی، شکنجه یا تبعید به وسیله گروه‌های مخالف یا موافق ممانعت به عمل می‌آید؟ آیا کشور از جنگ و شورش در امان است؟

۱۲. آیا بحث آزاد جمعی وجود دارد؟

۱۳. آیا خودگردانی قومی وجود دارد؟ آیا دولت در انتخاب شغل و محل اقامت افراد دخالت می‌کند؟ آیا وابستگی فکری و گسترده به دولت وجود دارد؟ (تیلی، ۱۳۹۲: ۱۶)

بازگشت ثانوی؛ هانتینگتون

هانتینگتون یک آزمون «بازگشت دوجانبه» یا «برگشت ثانوی»^۱ ابداع نموده است که با آن می‌توان یک نظام دموکراسی را تثبیت شده دانست. با این آزمایش وقتی دموکراسی مستقر شناخته می‌شود که حزب یا گروهی که در انتخابات اولیه، در دوران گذار، به قدرت می‌رسد، در انتخابات بعدی با شکست مواجه شود و قدرت را به دست کسانی که در انتخابات پیروز شده‌اند، بسپارد و بعد برندگان این انتخابات، صلح‌جویانه و با مسالمت، قدرت را در اختیار برندگان انتخابات پس از آن قرار دهند. برگزیدن فرمانروایان از طریق انتخابات، قلب دموکراسی است و دموکراسی فقط از آن زمان واقعیت پیدا می‌کند که حاکمان به رضا و رغبت نتیجه انتخابات را بپذیرند و از قدرت کناره گیرند. نخستین انتخابات که قدرت را برگشت می‌دهد و به دست گروه دیگری می‌سپارد، غالباً اهمیت نمادین دارد. (هانتینگتون، ۱۳۸۳: ۲۹۲)

هشت شرط استقرار دموکراسی؛ داونز

داونز در کتاب *نظریه اقتصادی دموکراسی* هشت شرط را برای استقرار نظام سیاسی دموکراتیک مطرح کرد:

۱. حزب یا ائتلاف حزبی انتخاب شده بتواند حکومت کند.
۲. انتخابات دوره‌ای.
۳. حق رأی برای همه مقیمان ثابت کشور.
۴. یک فرد، یک رأی.
۵. احزابی که برنده نشده‌اند تلاش نکنند حکومت را ساقط کنند.
۶. حکومت، فعالیت اپوزیسیون را محدود نکند.
۷. حداقل دو حزب در انتخابات رقابت کنند.
۸. حزب با اکثریت آرا بتواند تا زمان انتخابات بعدی حکومت کند. (انصاری، ۱۳۸۴: ۲۷۳)

1. Two Turnover.

رقابت و مشارکت؛ وانهانن

وانهانن^۱ لازمه موکراسی را وجود میزان بالایی از رقابت و مشارکت سیاسی می‌داند. با این حال وی استفاده از اندازه‌گیری‌های کمی این مفاهیم را از توسل به ارزیابی‌ها و برآوردهای ذهنی بهتر می‌داند. وانهانن شاخص موکراسی‌سازی خود را انحصاراً بنا بر داده‌های انتخاباتی به وجود می‌آورد. بعد مشارکتی بودن نظام سیاسی از طریق نسبت آرا به دست آمده در انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری یا هردو آنها اندازه‌گیری می‌شود، در حالی که درجه مشارکت بر اساس درصد کل جمعیتی که در انتخابات رأی داده‌اند، محاسبه می‌شود. یکی از این ویژگی‌های قدرت به موکراسی نهادینه شده مربوط می‌شود.

به نظر وانهانن بیشتر مقیاس‌های استفاده شده توسط دیگر محققان خیلی پیچیده هستند و شاخص‌های زیادی دارند که جمع‌آوری تجربی از تمام کشورهای جهان را خیلی مشکل و ناممکن می‌سازد. اما استفاده از این مقیاس درکی از موکراسی‌های موجود در کشورهای جهان می‌تواند ارائه دهد. (Vanhanen, 2002)

وانهانن با تأکید بر دو شاخص «مشارکت» و «رقابت»، معیارهای سنجش کمی آن را به این صورت بیان می‌کند که میزان مشارکت یعنی درصد کل جمعیت بزرگسالی که در انتخابات شرکت می‌کند نباید کمتر از ۳۰ درصد باشد و همچنین سهم احزاب کوچک‌تر از آراء نباید کمتر از ۳۰ درصد باشد؛ چرا که در این صورت تسلط بزرگ‌ترین حزب چنان مقهور کننده است که آن نظام سیاسی را منطقی نمی‌توان مردم سالاری نامید. ریموند گاستیل می‌گوید:

اگر گروه یا رهبری به طور منظم ۷۰ درصد آراء یا بیشتر را کسب نماید، این خود نشان دهنده وجود یک اپوزیسیون ضعیف و احتمال وجود محدودیت‌های غیردموکراتیک در مسیرهای بعدی موفقیت اوست. (Gastil, 1991: 15)

تبیین الگوی مردم سالاری دینی در ایران

تبیین این الگو در این بخش شامل طرح سابقه آن در انقلاب اسلامی و ارائه تعریفی از مردم‌سالاری دینی ایران و دربرگیرنده تعیین جایگاه دین و مردم خواهد بود.

1. Vanhanen.

انقلاب اسلامی ایران و مردم‌سالاری دینی

طرح سالار بودن مردم در ایران موضوعی نو است. اگر بتوان دوران مشروطه را آغاز طرح این مفهوم در تاریخ فکر و اندیشه سیاسی ایران دانست، بی‌شک به عنوان یک «مسئله» و کمتر به عنوان یک «ضرورت»، در این دوران مورد توجه قرار گرفته و یا طرح شده است. با این وجود، مشروطه آغازگر طرح مردم‌سالاری به عنوان یک مسئله در بین اندیشمندان دینی و سیاسی بوده است.

تلاش‌های دین برای پاسخ‌گویی به ضرورت مردم‌سالاری در قالب دو نظریه «مشروطه اسلامی» و «مردم‌سالاری دینی» تاکنون آشکار شده است؛ که نظریه نخست مردم‌سالاری را در سطح «تقنین» و دومی در حوزه «نظام‌سازی، تقنین و تصمیم‌گیری» در نظر می‌گیرد.^۱ واقعه مشروطه در ایران عقب‌ماندگی نظم سیاسی در ایران و ضرورت اصلاح در این نظم سیاسی را آشکار ساخت و برای اولین بار ضرورت مردم‌سالاری را مطرح نمود. این حادثه سیاسی مهم ابتدا مردم‌سالاری را به عنوان یک «مسئله نظری» و سپس به عنوان یک مسئله «عملی» در جامعه ایران آشکار ساخت. در جریان مشروطیت، محقق نائینی معروف‌ترین کسی است که در صدد اثبات سازگاری مشروطیت با دین برآمد. (میراحمدی، ۱۳۸۷: ۱۵۰) نائینی با تفکیک قانون شرعی از قانون عرفی، تأکید بر مفهوم شورا در شریعت، و اصل عقلایی رجحان اکثریت بر اقلیت در راستای تخفیف استبداد، (ر.ک: نائینی، ۱۳۷۸) سازگاری دین و مؤلفه‌های مردم‌سالاری را اثبات نمود.

تلاش‌های نائینی، مردم‌سالاری را در سطح قانون‌گذاری مورد توجه قرار می‌دهد. به عبارت دیگر این تلاش مردم‌سالاری را به سطح خاصی تنزل می‌دهد و از این جهت برداشتی تقلیل‌گرایانه از مردم‌سالاری ارائه می‌کند. تقلیل‌گرایانه بودن آن از این روست که به سطح دیگر آن یعنی نظام‌سازی توجه نمی‌کند. (میراحمدی، ۱۳۷۸: ۱۱۶) مقصود از نظام‌سازی فرآیندی است که در آن مردم به طور مستقیم یا غیرمستقیم نظام سیاسی را

۱. سابقه «الگوی مردم‌سالاری دینی ایران» گرچه از جریان‌های دموکراسی خواهی در ایران جدا نیست، اما در رویکردی نظری و اختصاصی ترجیح دادیم که فارغ از جریان‌های تقریباً حاشیه‌ای دیگر، به طور انحصاری به نظریه مردم‌سالاری دینی به عنوان تلاشی برای پاسخ‌گویی دین به مردم‌سالاری توجه داشته باشیم.

تأسیس و حاکم را انتخاب می‌کنند. نظریه امام خمینی در خصوص مردم سالاری هم به تقنین نظر دارد و هم به نظام سازی. مردم سالاری دینی ابتدا و از زبان امام خمینی با طرح جمهوری اسلامی برای گذار از سلطنت و سلطنت مشروطه مطرح می‌شود:

من مخالف اصل سلطنت و رژیم شاهنشاهی ایران هستم، به دلیل اینکه اساساً سلطنت نوع حکومتی است که متکی به آراء ملت نیست ... فرق بین جمهوری اسلامی و شاهنشاهی این است که جمهوری اسلامی از مردم است و جمهوری اسلامی رهین همین مردم عادی کشور است ... (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۵ / ۱۷۳)

در دیدگاه امام، جمهوریت به معنای «متکی بودن بر آرای عمومی» و اسلامیت «مبتنی بودن بر قانون الهی» است. بر این اساس در مدت زمانی کوتاه نظامی شکل گرفت که درصدد تعبیه دین و مردم به عنوان مؤلفه‌های کلیدی نظام‌سازی بود و این امر از طریق ایجاد نهاد میسر شد.

پس از آن، بیان نظریه مردم سالاری دینی از سوی جانشین امام خمینی، «آیت‌الله سید علی خامنه‌ای» و مباحثی که پیرامون آن مطرح شد، باب دیگری را گشود و شاهد تألیفات و همایش‌ها و مناظراتی در همین خصوص بوده‌ایم.

مردم سالاری در نفی اندک‌سالاری

شاید این سؤال مطرح شود که «سالار» در مردم سالاری به چه معناست و چرا به جای دموکراسی از واژه مردم‌سالاری استفاده شده است؟

واژه «سالار» در معنای لغوی به زبان انگلیسی معادل «rule» و «government» و «governing body Influence» می‌باشد. منظور از واژه سالار، «حکومت»، «حاکمیت» و «نفوذ» می‌باشد و «مردم سالاری» «مصطلح مورد استفاده» در مقابل «اندک سالاری» می‌باشد. «اندک سالاری» در یک تعریف کلی الگوی حکومتی است که به وسیله چند نفر معدود اداره می‌شود و تمامی قدرت حکومت متمرکز در تعداد خیلی از افراد بدون دخالت غیر می‌باشد و یا فرمانروایی گروهی اندک شمار بر دولت، بدون نظارت اکثریت است. در اندک‌سالاری، اقلیتی حاکم قدرت دولت را در راه سود خود به کار می‌برد و اکثریت ناراضی را سرکوب می‌کند و در آن گروه حاکم، تنها به منافع خودشان می‌اندیشند و منافع عموم افراد

جامعه را نادیده می‌گیرند. بنابراین در اندک‌سالاری «حاکمیت مردم» منتفی است، «تأمین منافع مردم» در اولویت نمی‌باشد، مردم حق «دخاله و تعیین سرنوشت سیاسی» را ندارند و «نظارتی» بر عملکرد حاکمان وجود ندارد.

از این‌رو مردم‌سالاری‌ها وضعیت برابری سیاسی ایجاد می‌کنند، درحالی‌که اندک‌سالاری‌ها ترجیحات زیربخش‌های بسیار کوچکی از جامعه را نمایندگی می‌کنند، بنابراین به وضعیت نابرابری سیاسی شبیه‌تر هستند. در مردم‌سالاری‌ها هر کس حق رأی دارد و دست‌کم این امکان بالقوه هست تا هر کس به نحوی در فرآیند مشارکت سیاسی مشارکت کند. در غیر دموکراسی‌فراستان - دولت نظامی حاکم - یک اقلیت ممتاز - یا در مواردی خاص - فقط یک فرد یعنی دیکتاتور تصمیمات را اتخاذ می‌کند. (عجم‌اگلو و رایبسون، ۱۳۹۱: ۶۰ - ۵۹)

واژه مردم‌سالاری به گونه‌ای «بومی بودن» این الگوی خاص از حکومت مردم در جمهوری اسلامی را نشان می‌دهد. مردم‌سالاری با برداشتی که از دموکراسی در نظام‌های غربی وجود دارد دارای تفاوت‌هایی می‌باشد. امام خمینی در این باره می‌فرماید:

ممکن است دموکراسی مطلوب ما با دموکراسی‌هایی که در غرب هست، مشابه باشد، اما آن دموکراسی که ما می‌خواهیم به وجود بیاوریم، در غرب وجود ندارد. دموکراسی اسلام کامل‌تر از دموکراسی غرب است و ویژگی‌های خود را دارد.

اسلام یک دین مترقی و دموکراسی به معنای واقعی است و آن رژیم‌هایی که ما می‌خواهیم تأسیس کنیم، یک همچون رژیم‌هایی است و با این رژیم‌هایی که الآن هستند، تفاوت دارد. احکام اسلامی احکامی است که بسیار مترقی است و متضمن آزادی‌ها و استقلال و ترقیات و همه انحاء دموکراسی است. محتوای اسلام همه آن معانی است که در عالم به خیال خودشان دموکراسی می‌گویند. اسلام همه این واقعیات را دارد و ملت ما هم برای همه این واقعیات جنگیده‌اند. (امام خمینی، ۱۳۷۴: ۱۷)

تعریف مردم‌سالاری دینی ایران

ارائه هر تعریفی از مردم‌سالاری دینی مستلزم تبیین جایگاه دو رکن تشکیل‌دهنده آن یعنی دین و مردم است.

جایگاه دین

دین به عنوان رکن اول در ترکیب مردم سالاری دینی ایران می‌باشد. اداره جوامع نیازمند قواعد مدون، اهرم‌های عملیاتی نمودن آنها و در نهایت حل و فصل اختلافاتی است که ذاتی و جزء جداناپذیر حیات انسانی است. این کارویژه اجتماعی و سیاسی دین سه کارکرد ویژه تقنین، اجرا و قضا را برای آن به همراه دارد. در مردم سالاری دینی، دین در دو حوزه قانون‌گذاری و ارزش‌گذاری به عنوان «منبع اعتباربخش»، مرجعیت دارد. دین مرجع قانون اساسی و قانون‌گذاری عادی است. همچنین دین، ویژگی‌های مجریان قانون، اهرم‌های نظارتی بر فعالیت مجریان و منبع قضاوت می‌باشد.

جایگاه مردم

تبیین جایگاه مردم در این الگو نیازمند بررسی نهاد قانون اساسی مردم سالاری دینی ایران می‌باشد. قانون اساسی اولین و مهم‌ترین سند بالادستی در این الگو می‌باشد. همچنین همان‌طور که در چارچوب تحلیلی آورده شد؛ بخش مهمی از مطالعات نهادگرایانه، موضوع قانون اساسی است و از طرف دیگر قانون اساسی ایران «متن و پایه نظری» الگوی مردم سالاری اسلامی ایران می‌باشد. اصل ۵۶ قانون اساسی الگوی مردم سالاری دینی ایران جایگاه مردم و دین را در این الگو مشخص می‌نماید.

در اصل ۵۶ و ابتدای فصل ۵ با عنوان حق حاکمیت ملت و قوای ناشی از آن آمده است:

حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچ کس نمی‌تواند این حق را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروه خاصی قرار دهد و ملت این حق خداداد را از طرقی که در اصول بعد می‌آید اعمال می‌کند.

ملاحظه می‌شود که چگونه و با چه ظرافتی، حاکمیت الهی از مجرای حاکمیت ملی جریان یافته و دست اراده الهی از آستین ملت بیرون می‌آید و مردم از طرقی که قانون مشخص کرده است حق تعیین سرنوشت را اعمال می‌نماید. بر این اساس انسان در یک رابطه طولی به حق حاکمیت بر سرنوشت خود دست یافته است. (عمید زنجانی، ۱۳۸۱: ۱۶۲) این یک حق فطری، تکوینی و غیرقابل سلب است. معنای حاکمیت بر سرنوشت خود آن

است که انسان در امور خود حق انتخاب و تصمیم‌گیری دارد.

بند ۸ اصل ۳ قانون اساسی، حکومت را موظف کرده است که همه امکانات خود را برای «مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش» به کار گیرد. مشارکت عامه در سرنوشت مهم‌ترین شاخص دموکراسی‌های نوین است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران توجه به آرای مردم و انتخابات به عنوان مهم‌ترین ابزار اعمال حق حاکمیت مردم بیان گردیده است. نظام مردم‌سالار نظامی است که ریشه قدرت را در شخص، گروه یا طبقه خاص متمرکز و منعکس نمی‌کند، بلکه عامه مردم را منشأ انتخاب و اعمال حاکمیت می‌داند. اصل ۶ قانون اساسی در یک حکم کلی این شاخص مهم را این گونه بیان می‌نماید:

در جمهوری اسلامی امور کشور باید به اتکای آرای عمومی اداره شود، از راه انتخابات، انتخاب رئیس‌جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراها و نظایر اینها یا از راه همه‌پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می‌گردد.

براین اساس «انتخابات در نظام جمهوری اسلامی راه را بر روی هرگونه ورود زمامداری از طرق غیر مردمی (فتح، وراثت و نظایر آن) می‌بندند». (هاشمی، ۱۳۷۴: ۲۷۲) با عنایت به اینکه در اصل ششم آمده است «کلیه امور»؛ تمام اصول قانون اساسی و از جمله اصل ۱۱۰ - ۱۰۷ را شامل می‌شود؛ (عمید زنجانی، ۱۳۸۱: ۴۳ - ۴۲) چراکه پذیرش رهبر نیز به شکل غیرمستقیم از جانب مردم می‌باشد؛ زیرا خبرگان نمایندگان مردم به شمار می‌آیند که در انتخاب رهبری نقش اساسی دارند. (مدنی، ۱۳۶۹: ۷ / ۶۹) حکم این اصل در همه قوای حاکم در جمهوری اسلامی جریان دارد و همان گونه که در متن اصل بالا بیان شده است، انتخابات و همه‌پرسی مهم‌ترین راه‌های اعمال آرای عمومی می‌باشند.

اصل‌های مختلف قانون اساسی در زمینه نمایندگان مجلس از جمله اصل ۶۲، انتخابات رئیس‌جمهور در اصل ۱۱۴، انتخابات خبرگان رهبری توسط مردم در اصل ۱۰۷، انتخاب رهبر در اصل ۱۰۷، انتخابات شوراها، استان، شهرستان‌ها ... مطابق اصل‌های ۷ و ۱۰۰، اعمال قوه مقننه از طریق همه‌پرسی و رأی مستقیم مردم در اصل ۵۹، اصل ۱۷۷ درباره

بازنگری در قانون اساسی، انتخاب رئیس قوه قضائیه توسط رهبر منتخب نمایندگان مردم در اصل ۱۵۷، انتخاب فقهای شورای نگهبان از طریق نمایندگان مجلس شورای اسلامی در اصل ۹۱، مهم‌ترین طرق اعمال آرای عمومی در قانون اساسی هستند.

با عنایت به آنچه در اصل ششم آمده است «کلیه امور» تمام اصول قانون اساسی و از جمله اصل ۱۱۰ - ۱۰۷ را شامل می‌شود. (عمید زنجانی، ۱۳۸۱: ۴۳ - ۴۲) چرا که پذیرش رهبر نیز به شکل غیرمستقیم از جانب مردم می‌باشد؛ زیرا خبرگان نمایندگان مردم به شمار می‌آیند که در انتخاب رهبری نقش اساسی دارند. (مدنی، ۱۳۶۹: ۷ / ۶۹)

مشاهده می‌شود که در تبیین جایگاه مردم در الگوی مردم سالاری دینی ایران می‌توان گفت تمام مقامات در این الگو، منتخب مردم می‌باشند و مرجعیت دین در نظریه مردم‌سالاری دینی ایران تنها از طریق سالار بودن مردم تحقق خارجی می‌یابد.

گفتیم که مردم‌سالاری دینی در مقابل اندک‌سالاری مطرح می‌باشد. در اندک‌سالاری‌ها، حاکمیت مردم، نظارت اکثریت و حق تعیین سرنوشت سیاسی جایی ندارد و ترجیحات بخش اندکی از جامعه نمایندگی می‌شود.

در ارائه هر تعریفی از دموکراسی، عنصر حکومت مردمی (و نه اقتدار گروه اندک) و مشارکت سیاسی و رقابت، آشکار می‌باشد. مشارکت و رقابت دو مبنای اصلی در دموکراسی هستند. در مردم سالاری ایرانی بعد دینی نیز وجود دارد که اشاره نمودیم که در کنار مشارکت مردمی، منبع اعتباربخشی دارد. از سوی دیگر «اجرایی شدن» مردم سالاری دینی نیازمند سازوکارهایی است که در دسترس‌ترین آنها نهادهای استقرار یافته و تثبیت شده این نظام می‌باشد.

بنابراین الگوی مردم سالاری دینی تنها در عالم نظر مطرح نشده است بلکه با سازوکاری نهادی، خود را عملیاتی ساخته است. از منظر این پژوهش الگوی مردم سالاری دینی «الگویی است که در مخالفت با اندک سالاری، مشارکت سیاسی مردم را با مرجعیت دین به رسمیت می‌شناسد و با سازوکاری نهادی اجرایی می‌شود».

ارزیابی مردم سالاری در ایران

در ارائه مباحث مربوط به روش تجزیه و تحلیل اطلاعات پژوهش، به متدولوژی‌های موجود

در خصوص ارزیابی دموکراسی نیز اشاره نمودیم و برخی شاخص‌ها را اقتباس نمودیم. این شاخص‌ها عبارتند از:

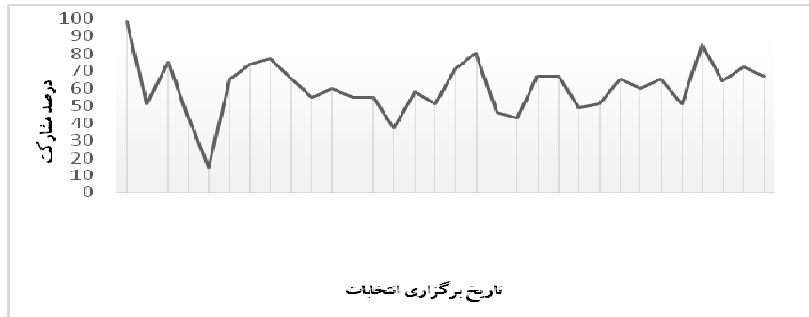
۱. وجود نهادهای نمایندگی، مقامات انتخابی، نهادهای مشارکت مؤثر و برابری در رأی‌دهی. (رابرت دال)
 ۲. انتخاب رئیس دولت یا رؤسای حکومت یا دیگر مقامات مهم دولتی از طریق انتخابات آزاد و عادلانه. (خانه آزادی)
 ۳. درصد کل جمعیتی که علناً در انتخابات ریاست جمهوری و پارلمان رأی داده‌اند بالاتر از ۳۰ درصد باشد. (وانهانن، ۲۰۰۲) و سهم گروه‌های کوچک‌تر حاضر در انتخابات کمتر از ۳۰ درصد نباشد.
 ۴. نهادینگی برگزاری منظم و دوره‌ای انتخابات، وجود حق رأی برای تمامی اقشار.
 ۵. درصد جمعیت رأی دهنده در انتخابات عمومی درصد کل جمعیتی که برای گزینش رئیس قوه مجریه رأی داده‌اند رأی دهندگان در انتخابات ریاست جمهوری به صورت نسبی از جمعیت کل.
 ۶. گردش قدرت و وجود «برگشت ثانوی»، به گونه‌ای که گروهی که به قدرت می‌رسد در انتخابات بعدی با شکست مواجه شود و قدرت را به کسانی که در انتخابات پیروز شده‌اند بسپارد.
 ۷. حزب یا ائتلاف حزبی انتخاب شده بتواند حکومت کند. انتخابات دوره‌ای، حق رأی برای همه مقیمان ثابت کشور. یک فرد، یک رأی. احزابی که برنده نشده‌اند تلاش نکنند حکومت را ساقط کنند. حکومت فعالیت اپوزیسیون را محدود نکند. حداقل دو حزب در انتخابات رقابت کنند. حزب با اکثریت آرا بتواند تا زمان انتخابات بعدی حکومت کند. (داونز)
- مردم‌سالاری دینی ایران در کارنامه مشارکت سیاسی خود برگزاری ۳۲ انتخابات سراسری را دارد که به شرحی که در جدول زیر دیده می‌شود. میانگین مشارکت سیاسی در کل انتخابات برگزار شده در ایران از ابتدای شکل‌گیری نظام مردم‌سالاری اسلامی ۶۳/۰۳ می‌باشد. یعنی بیش از دوبرابر درصدی که وانهانن برای ارزیابی نظام‌های مردم‌سالار به عنوان میانگین در نظر می‌گیرد.

جدول کلیه انتخابات برگزار شده از ابتدای شکل‌گیری نظام مردم‌سالاری دینی

انتخابات	تاریخ برگزاری	درصد مشارکت	انتخابات	تاریخ برگزاری	درصد مشارکت
۱. همه‌پرسی تغییر رژیم	۵۸/۱/۱۰ و ۵۸/۱/۱۱	۹۸/۰۰	۱۷. پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی	۱۳۷۴/۱۲/۱۸	۷۱/۱۰
۲. خبرگان بررسی نهایی قانون اساسی	۵۸/۵/۱۲	۵۱/۷۱	۱۸. هفتمین دوره ریاست جمهوری	۱۳۷۶/۳/۲	۷۹/۹۳
۳. همه‌پرسی تأیید قانون اساسی	۵۸/۹/۱۱ و ۵۸/۹/۱۲	۷۵/۲۳	۱۹. سومین دوره مجلس خبرگان رهبری	۱۳۷۷/۸/۱	۴۶/۳۲
۴. اولین ریاست جمهوری	۵۸/۱۱/۵	۶۷/۴۲	۲۰. اولین دوره شوراهای اسلامی شهر و روستا	۱۳۷۷/۱۲/۷	۶۴/۴۲
۵. اولین دوره مجلس شورای اسلامی	۵۸/۱۲/۲۴	۵۲/۱۴	۲۱. ششمین دوره مجلس شورای اسلامی	۱۳۷۸/۱۱/۲۹	۶۷/۳۵
۶. دومین ریاست جمهوری	۶۰/۵/۲	۶۴/۲۴	۲۲. هشتمین دوره ریاست جمهوری	۱۳۸۰/۳/۱۸	۶۶/۵۹
۷. سومین ریاست جمهوری	۶۰/۷/۱۰	۷۴/۲۶	۲۳. دومین دوره شوراهای اسلامی شهر و روستا	۱۳۸۱/۱۲/۹	۴۹/۲
۸. اولین دوره مجلس خبرگان تعیین رهبری	۶۱/۹/۱۹	۷۷/۳۸	۲۴. هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی	۱۳۸۲/۱۲/۱	۵۱/۲۱
۹. دومین دوره مجلس شورای اسلامی	۶۳/۱/۲۶	۶۴/۶۴	۲۵. نهمین دوره ریاست جمهوری	۱۳۸۴/۴/۳	۶۲/۸۴
۱۰. چهارمین ریاست جمهوری	۶۴/۵/۲۵	۵۴/۷۸	۲۶. چهارمین دوره مجلس خبرگان رهبری	۱۳۸۵/۹/۲۴	۶۰/۰۰
۱۱. سومین دوره مجلس شورای اسلامی	۶۷/۱/۱۹	۵۹/۷۲	۲۷. سومین دوره شوراهای اسلامی شهر و روستا	۱۳۸۵/۹/۲۴	۶۴/۸۳
۱۲. پنجمین ریاست جمهوری	۶۸/۵/۶	۵۴/۵۹	۲۸. هشتمین دوره مجلس شورای اسلامی	۱۳۸۶/۱۲/۲۴	۵۱/۰۰
۱۳. همه‌پرسی بازنگری قانون اساسی	۶۸/۵/۶	۵۴/۵۱	۲۹. دهمین دوره ریاست جمهوری	۱۳۸۸/۳/۲۲	۸۵/۰۰
۱۴. دومین دوره مجلس خبرگان رهبری	۶۹/۷/۱۶	۳۷/۰۹	۳۰. نهمین انتخابات مجلس شورای اسلامی	۱۳۹۰/۱۲/۱۲	۶۴/۰۲
۱۵. چهارمین دوره مجلس شورای اسلامی	۷۱/۱/۲۱	۵۷/۸۱	۳۱. یازدهمین دور ریاست جمهوری	۱۳۹۲/۳/۲۴	۷۲/۰۲
۱۶. ششمین ریاست جمهوری	۷۲/۳/۲۱	۵۰/۵	۳۲. چهارمین دور انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا	۱۳۹۲/۳/۲۴	۶۷/۰۴

منبع: پرتال وزارت کشور (تنظیم جدول از نگارندگان می‌باشد).

نمودار میانگین کلی مشارکت در انتخابات



در ادامه، با توجه به فهرستی که از شاخص‌های به دست آمده ارائه کردیم به منظور تطبیق و ارزیابی شاخص‌های دموکراسی، به موضوع گردش قدرت و بازگشت ثانوی در مردم‌سالاری دینی ایران می‌پردازیم.

گردش قدرت و بازگشت ثانوی در مردم‌سالاری دینی در ایران

یکی دیگر از شاخص‌ها، وجود گردش قدرت قاعده‌مند و بازگشت ثانوی است که از سوی هانتینگتون مطرح شده است. به این معنا که قدرت برای سالیان دراز و متمرکز و غیر انتخابی نباشد و از سوی دیگر در جریان انتقال قدرت گروهی که قدرت را در دست می‌گیرند در دور بعد شکست خورده و قدرت را به گروه منتخب پیروز واگذار کنند. توزیع قاعده‌مند قدرت در نظام‌های مردم‌سالار از طریق انتخابات صورت می‌گیرد.

با بررسی انتخابات برگزار شده در سطح ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۹۲ مشاهده خواهیم کرد که به صورت دوره‌ای قدرت در دست دو جناح اصلی پدیدآمده یعنی راست و چپ یا اصول‌گرا و اصلاح‌طلب در جریان بوده است و هرگز قدرت در دست جناحی خاص متمرکز نمانده است.

در دوره زمانی ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۸، دوران حاکمیت چپ در دولت و مجلس و قوه قضائیه بوده است. پایان سال ۱۳۶۸ را می‌توان زمان تعویض جایگاه جناح چپ و راست دانست. جناح چپ منزوی و به جناح منتقد دولت تبدیل گشت و جناح راست به عنوان جناح حاکم مطرح شد. سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶ را باید دوره بازسازی و حاکمیت جناح راست دانست. در همین دوره با برگزاری چهارمین دور انتخابات مجلس شورای اسلامی به اوج خود رسید. جناح راست

به طور گسترده در انتخابات شرکت کرد و به پیروزی چشم‌گیری دست یافت. جناح راست در انتخابات مجلس پنجم نیز اکثریت آرا را در مجلس به دست آورد. پس از سال‌های انزوای جناح چپ، انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۷۶ قدرت اجرایی را دوباره به چپ‌ها بازگرداند. انتخابات مجلس ششم در سال ۱۳۷۸ با پیروزی قاطع جناح چپ همراه بود و تا سال ۱۳۸۴ که قدرت اجرایی در اختیار جناح راست و اصول‌گرایان قرار گرفت، اصلاح‌طلبان قدرت را در اختیار داشتند. گردش قدرت در مردم‌سالاری دینی ایران را از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۹۰ به صورت زیر می‌توان خلاصه نمود.

- دوران حاکمیت چپ در دولت و مجلس و قوه قضائیه. (۱۳۶۸ - ۱۳۶۰)

- دوره بازسازی و حاکمیت جناح راست. (۱۳۷۶ - ۱۳۶۸)

- به دست آوردن قدرت توسط چپ‌ها. (۱۳۸۴ - ۱۳۷۶)

- بازگشت راست‌ها به قدرت. (۱۳۹۲ - ۱۳۸۴)

در واقع در این پژوهش با چشم‌پوشی از تغییرات درون‌جناحی که از ابتدا تاکنون در جناح‌های سیاسی وجود داشته است و یا در دوره‌های حاکمیت یک جناح شاهد تحولاتی در حضور آنها در قوای مجریه و مقننه بودیم، بیشتر بر آن بودیم که عدم تمرکز قدرت در الگوی مردم‌سالاری دینی ایران را نشان دهیم.

همان‌گونه که پیش از این ذکر شد این پژوهش با تأکید بر دوگانه «مشارکت» و «رقابت»، بر این باور است که در این الگو، مؤلفه مشارکت به گونه‌ای که در فصل ظرفیت‌های مردم‌سالاری دینی ایران بدان پرداخته شد، محقق شده است، اما با ضعف در حوزه «رقابت سیاسی» مواجه می‌باشد. یعنی در نظام مردم‌سالاری موجود کفه ترازوی «مشارکت» بسیار سنگین‌تر از «رقابت» می‌باشد؛ حال آنکه تحقق مردم‌سالاری در وجه کامل آن نیازمند قوت هر دو بعد است.

درک ماهیت رقابت سیاسی از آن حیث ضروری است که تلقی نظام‌های سیاسی گوناگون از رقابت می‌تواند در مقام اجرا، منشأ آثار مختلفی قرار گیرد. به عنوان مثال می‌توان نظام انتخاباتی و مشارکتی‌ای را تصور نمود که در آن رقابت امری صوری تلقی شده و به رغم برگزاری انتخابات، ایده خاصی مجال و امکان طرح و پیروزی می‌یابد.

نفس استناد به آمار و تعداد آرای ریخته شده در صندوق و حتی تعداد گروه‌های درگیر در انتخابات هر چند بیانگر مشارکت می‌باشد، اما نمی‌تواند دلیلی بر «رقابتی بودن» حوزه فعالیت سیاسی باشد. بنابراین اگر می‌گوییم ضعف رقابت سیاسی وجود دارد منظور آن است که مقومات رقابت سیاسی کم‌رنگ و ضعیف هستند. در واقع ما به بررسی ضعف مقومات رقابت سیاسی در الگوی مردم‌سالاری دینی موجود خواهیم پرداخت.

برای این کار لازم است که مقومات رقابت سیاسی را استخراج نماییم و نشان دهیم لازمه وجود رقابت سیاسی چیست. این کار «حداقل‌های» رقابت سیاسی را به ما می‌دهد و مانع از آن می‌شود که تا به هنگام طراحی سیاست عملی، چنان به وضع قانون بپردازیم که از «رقابت» چیزی جز «نام» آن باقی نماند.

از آنجا که ما درباره مردم‌سالاری دینی سخن می‌گوییم چالش موجود در هر دو حوزه را مدنظر داریم. در رکن اول آن یعنی «مردم‌سالاری» ضعف مقومات رقابت سیاسی و در رکن دوم آن یعنی «دین»، «ضعف دانش به دین‌محوری و چارچوب دینی در رقابت سیاسی» را مطرح می‌نماییم.

کثرت‌سالاری از دو واژه یونانی به معانی «بسیار»^۱ و «سالار»^۲ سرچشمه گرفته و از این رو به معنای «حکومت کثرت‌سالار» بوده و از حکومت یک نفر یا پادشاهی، یا حکومت توسط چند تن، الیگارش‌ی یا اریستوکراسی متمایز می‌شود. کثرت‌سالاری هرگونه تلاشی است که تنوع و چندگانگی را از چنگ بدیل‌های وحدت‌انگار^۳ و جزم‌های انحصارگرا^۴ بیرون بکشد. از زمان‌های قدیم تاکنون، رویارویی میان کثرت و وحدت بارها تکرار شده و در هر عصر و نسلی اشکال تازه و ابعاد گسترده به خود گرفته است.

اجزای تشکیل دهنده کثرت‌سالاری به معنای مدنظر این پژوهش، پذیرش «تنوع» و «تعدد» است. «تنوع» و «تعدد» از جمله لوازم منطقی رقابت هستند که غالباً از آن به پلورالیسم یاد می‌شود که بنابر برداشت خاص این پژوهش، این تنوع و تعدد در چارچوب «کثرت‌سالاری» مطرح می‌شود. بر این اساس لازم است که در چارچوب اصول کلان حاکم بر

1. Poly.
2. Archos.
3. Monistic Alternative.
4. Exclusive Dogmas.

جامعه، گروه‌ها و دسته‌جات مختلف اجازه ظهور، شکل‌سازی، فعالیت و جذب افکار عمومی را داشته باشند. رقابت سیاسی در جامعه‌ای «یکدست» که صرفاً تفکری واحد و الگویی یکسان، حاکم در عرصه عمل حاکم باشد، اصلاً بی‌معنا بوده و «شعاری» بیش نمی‌باشد. «تنوع» و «تعدد» در بستر اجتماعی، و پذیرش آن از لوازم و ابزار کثرت‌سالاری است.

منظور از «چارچوب‌مندی» آن است که در همه جا نخست «حدودی» را نظام و جامعه می‌پذیرد و سپس رقابت سیاسی در این چارچوب اجماعی که از «بطن جامعه» بیرون آمده، معنا و مفهوم می‌یابد. بر این اساس تصور اینکه گروه‌های متنوع هر کدام بتوانند با به چالش کشیدن منفعت ملی کشور و یا هزینه کردن امنیت ملی بتوانند به منافع گروهی خود دست یابند، صحیح نیست و طبعاً جامعه و حکومت در مقابل آن ایستادگی خواهد نمود. (افتخاری، ۱۳۸۰: ۵۸)

حیطه و نحوه تعیین این چارچوب نیز به گونه‌ای است که اجماع عمومی نخبگان و مردم را دارا می‌باشد و چنان نیست که فرد یا گروه خاصی فارغ از ملاحظات عمومی و تنها، به صلاح‌دید خود اقدام به وضع یک چارچوب خاص نماید. در این شرایط «حکمرانی رقابت‌آمیز» و «پایبندی به چارچوب» با هم جمع می‌شوند و وجدان عمومی جامعه نیز آن را تأیید می‌نماید. کثرت‌سالاری چارچوب‌مند به گونه‌ای است که:

۱. وفاق و وحدت ملی را مخدوش نمی‌سازد؛
۲. استقلال کشور را مخدوش نمی‌سازد؛
۳. به التزام به قانون اساسی لطمه نمی‌زند؛
۴. ناقض اسلامیت و جمهوریت نمی‌باشد؛
۵. متضمن بهداشت روانی و سیاسی جامعه است؛
۶. رقابت سیاسی در آن مبتنی بر منطق بازی با حاصل جمع جبری غیرصفر (تقسیم عادلانه امتیازات) می‌باشد؛
۷. رقابت سیاسی به گونه‌ای است که متضمن حفظ حرمت نظام ارزشی جامعه است؛
۸. هدفش نشاط و شادابی بخشیدن به حیات سیاسی و اعتلای حیات اجتماعی است؛
۹. در آن به رسمیت شناختن عقبه یا امتداد نظری و عملی احزاب و سازمان‌های بیگانه خارجی نقش‌آفرینی نمی‌کنند.

وضعیت رقابت و کثرت‌سالاری در مردم‌سالاری دینی در ایران

الگوی ۳۶ ساله مردم‌سالاری دینی ایران از ابتدای انقلاب اسلامی تاکنون، شرایط مختلفی را از لحاظ سه وضعیتی که پیش از این بدان پرداختیم یعنی از هم‌گسیختگی رقابتی، یکدست‌سازی و کثرت‌سالاری چارچوب‌مند داشته است. در ابتدای انقلاب وضعیت از هم‌گسیختگی رقابتی حاکم بود. پنج گروه عمده را در ابتدای انقلاب می‌توان از هم تفکیک داد:

۱. جمهوری‌خواهان که اسلامیت را بر نمی‌تافتند.
 ۲. هواداران جمهوری دموکراتیک که به جای اسلامیت بر دموکراتیک بودن تأکید داشتند.
 ۳. هواداران جمهوری خلق که از نگرش چپی تغذیه می‌کردند.
 ۴. طرفداران الگوی حکومت اسلامی بدون هیچ گونه قیدی با صبغه غربی.
 ۵. قائلان به الگوی جمهوری اسلامی که هر دو حد را به عنوان مبنا می‌پذیرفت.
- (افتخاری، ۱۳۸۰: ۷۴)

در ابتدای انقلاب اسلامی وضعیت از هم‌گسیختگی رقابتی اقتضای آن را داشت که تا به نحوی حوزه رقابت‌های سیاسی افسارگسیخته به نفع انتظام ملی تحدید شده و نوعی نظم حاکم شود. متعاقب درگیری‌های موجود و فرورفتن جامعه در گرداب التهاب، امام خمینی ره استراتژی یکسان‌سازی را فعال نمودند که غرض از آن تحدید عرضه رقابت‌های سیاسی برای تحکیم مبانی نظام بود. در اواخر این دوره درصد مشارکت سیاسی در همه پرس‌و‌پرسی‌های قانون اساسی (۵۴/۵۱)، مجلس خبرگان (۳۷/۰۹)، چهارمین دوره مجلس شورای اسلامی (۵۷/۸۱) و ششمین انتخابات ریاست جمهوری (۵۰/۵)، حکایت از تضعیف عنصر رقابت دارد که مطابق با منطق یکدست‌سازی بود و افزایش ناگهانی آمار در هفتمین انتخابات ریاست جمهوری معنادار می‌باشد.

در سال ۱۳۷۶، پس از گذشت ۱۴ سال حاکمیت فرآیند یکسان‌سازی، نظام نهایتاً به این باور رسید که از حیث ساختاری از استحکام نسبی برخوردار است و گرایش‌های متفاوت اما متعهد اجازه ظهور دارند. در نتیجه این تحول بر خلاف انتخابات‌های پیشین، دیدگاه‌های تازه‌ای عرضه شدند. گروه‌هایی که هم‌اکنون بنیان جامعه مدنی را شکل می‌دهند، ریشه در نظام مردم‌سالاری دینی دارند و با آن بیگانه نیستند. لذا گروه‌های متعهد به نظام، هر یک الگویی را مطرح و به شکل متعصبانه‌ای از آن حمایت می‌کنند بی‌آنکه از چارچوب‌مندی ذکر شده خارج شوند.

با وجود این تحولات مثبت و رو به جلو، الگوی مردم سالاری دینی ایران از این منظر در میانه‌های مسیر تکاملی است و گاه شاهد حرکت‌های سینوسی بوده است و تحقق کامل این الگو نیازمند زمان می‌باشد.

نتیجه

بخش اصلی نظام‌سازی، شامل ایجاد نهادهایی است که کارویژه تنظیم، تخصیص و تضمین قدرت را دارند. تثبیت توزیع قدرت از این طریق خاصیت دوام نهادی است. در این پژوهش از چارچوب نهادگرایی برای تحلیلی موضوعات استفاده شد. روش نهادگرایی در علوم سیاسی به ساختار ایجاد شده در یک نظام سیاسی می‌پردازد.

قانون اساسی، اداره عمومی، تخصیص قدرت و سازوکارهای نهادمندی سازوکارهای نهادی در ایجاد و اداره یک نظام سیاسی هستند که پس از انقلاب اسلامی ایران و به دنبال پاسخ‌گویی به خواست شکل‌گیری نظامی دینی و مبتنی بر مردم، صورت تئوریک و پراتیک به خود گرفت.

مردم سالاری دینی عنوان نظام سیاسی شکل گرفته پس از انقلاب اسلامی می‌باشد که در آن در چارچوب دین که منبع اعتبار بخشی دارد، مردم حاکمیت دارند. تطبیق استانداردهای ارزیابی دموکراسی در جهان بر این الگو نشان داد که در این تجربه حکمرانی ۳۶ ساله، مردم سالاری و حاکمیت مردم وجود داشته است که شامل ارزیابی قانون اساسی، درصد کل مشارکت در انتخابات برگزار شده از ابتدا تا کنون و بازگشت ثانوی یا گردش قدرت می‌باشد. از آنجا که دموکراسی دارای دو مبناست یعنی: مشارکت و رقابت، این الگوی سیاسی هنوز در مبنای دوم یعنی رقابت، دارای ضعف‌هایی می‌باشد که آن را در چارچوب ضعف کثرت سالاری چارچوب‌مند مطرح کردیم.

منابع و مآخذ

۱. آلموند، گابریل و همکاران، ۱۳۷۶، *سیاست تطبیقی*، ترجمه علیرضا طیب، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی.
۲. افتخاری، اصغر، ۱۳۸۰، *درآمدی بر خطوط قرمز در رقابت سیاسی*، تهران، مرکز بررسی‌های استراتژیک.

- الگوی نظام‌سازی ایران پس از انقلاب اسلامی؛ ارزیابی مردم سالاری دینی ایران □ ۱۶۳
۳. امام خمینی، سید روح‌الله، ۱۳۷۴، *اسلام ناب در کلام و پیام امام خمینی*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه‌السلام.
۴. _____، ۱۳۷۸، *صحیفه امام*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه‌السلام.
۵. انصاری، منصور، ۱۳۸۴، «چالش‌ها و فرصت‌های فراروی گذار به دموکراسی»، در *گذار به دموکراسی زیر نظر حسین بشیریه*، تهران، نگاه معاصر.
۶. دال، رابرت، ۱۳۸۹، *درباره دموکراسی (سیر تحول و شرایط تحقق آن)*، ترجمه فیروز سالاریان، تهران، نشر چشمه.
۷. _____، ۱۳۹۲، *تحلیل سیاسی مدرن*، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران، فرهنگ جاوید.
۸. ره‌پیک، سیامک، ۱۳۸۸، «مبانی حقوقی مردم سالاری دینی در نظام جمهوری اسلامی»، در *مجموعه مقالات مردم سالاری دینی*، به کوشش محمدرضا مرندی.
۹. عالم، عبدالرحمن، ۱۳۷۳، *بنیادهای علم سیاست*، تهران، نشر نی.
۱۰. عجم اغلو، دارون و جیمز رابینسون، ۱۳۹۰، *ریشه اقتصادی دیکتاتوری و دموکراسی*، تهران، کویر.
۱۱. عمیدزنجانی، عباس علی، ۱۳۸۱، *انقلاب اسلامی ایران (علل، مسائل و نظام سیاسی)*، قم.
۱۲. کاظمی، حجت، ۱۳۹۱، *ستیز، وفاق و مسئله نظم سیاسی در ایران*، تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۱۳. مدنی، سیدجلال‌الدین، ۱۳۶۹، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، ج ۷، تهران، سروش.
۱۴. میراحمدی، منصور، ۱۳۸۸، *نظریه مردم سالاری دینی*، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
۱۵. نائینی، محمدحسین، ۱۳۷۸، *تنبیه الامة و تنزیه الملة*، با توضیحات سید محمود طالقانی، تهران، چ ۹.
۱۶. هاشمی، سید محمد، ۱۳۷۴، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، ج ۱، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چ ۱.
۱۷. هانتینگتون، ساموئل، ۱۳۸۳، «فرهنگ، قدرت و دموکراسی»، در *پلانتر، مارک و اسمولار، الکساندر، جهانی شدن، قدرت و دموکراسی*، ترجمه سیروس فیضی و احمد رشیدی، تهران، کویر.

18. Aggarwal, Vinod K, 1998, *Institutional Designs for a Complex World*, Bargaining, Linkages, and Nesting (Ithaca, NY: Cornell University Press).
19. Bollen, Kenneth A. & Paxton, Pamela, 2000, "Subjective measures of liberal democracy", *Com - parative Political Studies*, 33 (1).
20. _____, 2000, "Subjective measures of liberal democracy", *Com - parative Political Studies*, 33 (1).
21. Bollen, Kenneth A. 2001. Cross - National Indicators of Liberal Democracy, 1950 - 1990 [Com - puter file]. 2nd ICPSR version. Chapel Hill, NC: University of North Carolina [producer], 1998. Ann Arbor, MI: Inter - university Consortium for Political and Social Research [distributor], 2001. Retrieved from <http://www.icpsr.umich.edu:8080/ABSTRACTS/02532.xml?format=ICPSR>.
22. Burton, Michael, Richard Gunther and John Higley, 1992, "Introduction: Elite Transformations and Democratic Regimes". in *Elites and Democratic Consolidation in Latin America and Southern Europe*, edited by John Higley and Richard Gunther, London: Cambridge University Press.
23. Clein, peter, 2000, *New Institutional Economy*. Encyclopedia of Law & Economics.
24. Gastil, Raymond Duncan, 1991, "The Comparative Survey Of Freedom: Experiences and Suggestion", in *Alex Inkeles, ed, on mesurin f Democracy. Its Cosequences and Containments*, New Brunswick, New jersey: Transaction.
25. Gurr, Ted R, 2000, *Ethnic warfare on the wane*, Foreign Affairs Journal.
26. Moonk, Brus and others, 2006, "Voting counts: Participation in the Measurment of democracy": Available at: <http://www.lehigh.edu/~bmo5/democracy/opus612.pdf>.
27. Piano, Aili and Arch Puddington, 2004, *Freedom in The World, The Annual Survey of political Rights and civil liberties*, Newyork And Washington, Freedom House.
28. Raak, Arno Van & Paulus, Aggie, 2008, "The Emergence of Multidisciplinary Teams for Interagency Service Delivery" in *Europe: Is Historical Institutionalism Wrong*, Springer Science.
29. Vaanhanen, Tatu, 2002, "polyarchy dataset, measures of democracy 1810 – 2002" Available at: <http://www.prio.no/cscw/datasets/polyarchy%20dataset%20measures%20of%20Democracy>.